

## شیخ عبدالحسین امینی مشهور به علامه امینی

شیخ عبدالحسین امینی مشهور به علامه امینی در سال 1320 ه.ق با 1281 ه. ش در سراب ...

شیخ عبدالحسین امینی مشهور به علامه امینی در سال 1320 ه.ق با 1281 ه. ش در سراب (روستای سردها) از توابع شهرستان سراب) در خانواده ای اهل علم، تقوی و فضیلت دیده به جهان گشود. پدر علامه امینی حجت الاسلام حاج میرزا احمد امینی (متوفی 1370 ه. ق) خود از افاضل و عالمان نامی و معروف منطقه بود. نیای علامه، (مولی نجف علی) مشهور به (امین الشرع) (متوفی 1340 ه. ق) نیز از فاضلان و متقیان بوده و علاقه شدیدی به گردآوری کلمات ائمه اطهار (علیهم السلام) داشت که در این مقوله مجموعه هایی گرد آورده بود وی به فارسی و ترکی شعر می سرود نسبت این خاندان به امینی از همین لقب (امین الشرع) نیای آنان بوده است.

عبدالحسین در چنین خاندانی شروع به رشد کرد و از او ان کودکی عشق به خاندان طهارت در او ریشه گرفت. اما او تنها به عشق ورزیدن کفایت نکرد، بلکه درصدد فراگیری علوم و احادیث آن بزرگواران بر آمد. لذا مقدمات علوم را در شهر تبریز فرا گرفت و در محضر استادان و علمای بنامی چون سید محمد مولانا، صاحب کتاب مصباح المساکین، سید مرتضی خسرو شاهی و شیخ حسین، صاحب کتاب هدیه الانام تلمذ کرد. در همین دوره بود که الفیه ابن مالک (هزار بیت در باره صرف و نحو ادبیات عرب به زبان عربی) را حفظ کرد، اما آنچه بیشتر ذوق ادیبانه و شور عاشقانه او را اقناع می کرد، حفظ اشعار گوناگون درباره امام علی (ع) بود. همین عشق در وجود او بطور گسترده ای نضج یافت تا وی را به سفر به نجف اشرف ترغیب کرد. در شهری که همواره می توانست در جوار مولایش به تحصیل و تحقیق بپردازد.

### علامه از محضر عالمانی چون :

1\_ سید محمد مولانا

2\_ سید مرتضی خسرو شاهی

3\_ شیخ حسین

4\_ سید محمد فیروز آبادی

5\_ سید ابو تراب خوانساری

و دیگران استفاده برده است، همچنین ایشان از مراجع بزرگی چون :

1\_ سید ابوالحسن اصفهانی

2\_ میرزا حسین نائینی

3\_ شیخ عبد الکریم حائری

4\_ شیخ محمد حسین کمپانی اصفهان

وی به خطوط خود آن بزرگان اجازه اجتهاد دریافت داشته است.

او در حوزه علمیه نجف، نزد استادانی چند از جمله سید ابوتراب خوانساری و سید محمد فیروز آبادی به تحصیل علوم مختلف پرداخت و در حین تحصیل، تحقیق را که عمده ترین دل مشغولی اش بود، دنبال می کرد. شیخ عبدالحسین در سال 1335 تألیف اثر گرانهای "شهداء الفضیله" را آغاز کرد. عبدالحسین 33 ساله در این دوره با انجام کاری نو و ابتکاری با تحقیق از میان کتب قدیمی ای که در معرض نابودی و فراموشی بودند، مطالبی درباره علمای متقدم و متاخری که در راه حق به شهادت رسیده اند تدوین کرد. او برای تهیه این کتاب که تحسین بسیاری را برانگیخت، به کتابخانه های بسیاری در ایران و عراق سر کشید تا از هر جا حتی اندک مطلبی درباره علمای شهید بیابد. علامه امینی در این کتاب کوشید تا به زندگی و دیدگاه بیش از یکصد تن از پیروان امام علی(ع) و علمای شیعه از قرن چهارم تا چهاردهم بپردازد. این محدث، مفسر، متکلم و فقیه معاصر به تحقیقات گسترده خود ادامه داد و تعلیقه ای بر کتاب "کامل الزیارات" ابن قولویه قمی نوشت. او این تعلیقه را با هدف معرفی مفهوم زیارت در فرهنگ تشیع و بحث پیرامون آن به رشته تحریر در آورد و در ادامه آن با تألیف "ادب الزائر" ارادت خود را به امام حسین (ع) اثبات کرد.

وی همچنین در حوزه فلسفه "ثمرات الاسفار" را در دو جلد تدوین می کند و در حوزه فقه و اصول نیز حاشیه ای کلان بر دو کتاب سترگ "مکاسب" و "وسایل" شیخ انصاری می نگارد. در همین دوره است که به دلیل تلاش های علمی خود از جانب حضرات آیات سید ابوالحسن اصفهانی، حاج میرزا احمد حسین نائینی، شیخ عبدالکریم حائری بزدی و شیخ محمد حسین کمپانی اجازه اجتهاد دریافت می دارد. و پس از آن به تبریز باز می گردد. در این زمان او به سوی تفسیر قرآن کریم جذب می شود و برخی آیات قرآن کریم را در سوره های اعراف، واقعه و مؤمن مورد بحث و تحلیل قرار می دهد، اما همه این تحقیقات مقدمه ای است بر کار عظیم او.

علامه امینی از ابتدای تحصیلات علمی خود در فکر ایجاد جامعه ای مبتنی بر اندیشه های والای اسلامی بود. جامعه ای که در آن اخوت و برادری مفهومی عینی می یابد و طی آن مسلمانان به دور از تبعیضات و تفرقه ها در ساختن جامعه ای آرمانی همت می گمارند. امینی با همین اندیشه و با اندوخته کلان خود به سراغ نگارش کتابی رفت که واقعیتی را به منظور ایجاد وحدت در جامعه اسلامی مطرح سازد، لذا حدیث غدیر را شکافت و واقعه غدیر را با هدف تبیین ولایت جاودان امیر مومنان حضرت علی (ع) به رشته تحریر در آورد. وی روش کار خود را در تدوین این کتاب بر بررسی موضوعی مساله غدیر و ولایت امیر مؤمنان می گذارد و با مواد و مصالح مختلف تاریخی از جمله آیات قرآن، احادیث و قول تابعین و اصحاب و علمای فرق مختلف بویژه مذاهب چهارگانه، نسبت به اثبات و دفاع از ولایت امیر مؤمنان همت می گمارد.

او برای این منظور با سفر به کتابخانه های کشورهای مختلف دنیا از جمله عراق، هندوستان، پاکستان، مغرب، مصر و... ابتدا به سراغ تحقیق درباره آیات تبلیغ (سوره مبارکه مائده 67-)، اکمال (مائده 5-)، آیات یک تا سه سوره مبارکه معارج، ولایت (مائده 55-) و سوره هل اتی می رود. آنگاه احادیث غدیر، ولایت، منزلت، ثقلین، انذار العشیره و... را از مناظر تاریخی و سندی مورد تحلیل و بررسی قرار می دهد. وی سپس در پی اسناد حدیث غدیر، بیست و چهار کتاب تاریخی، بیست و هفت محدث، چهارده مفسر قرآن و هفت متکلم اسلامی را می یابد که به نقد و بررسی حدیث غدیر پرداخته اند. امینی پس از آن، رواه حدیث غدیر از صحابه و تابعین پیامبر را به ترتیب عنوان و در این فهرست به یکصد و ده تن از صحابی و هشتاد و چهار تابعی اشاره می کند. علامه آنگاه 360 تن از رواه حدیث غدیر را از قرن دوم تا قرن چهاردهم بر می شمارد و برای این منظور به کتابخانه های بسیاری از کشورهای اسلامی سفر می کند. علامه در پایان تحقیق، اشعار شاعران مختلف را درباره این موضوع ذکر می کند و ... در این مقوله، قصد او کمک گرفتن از انواع روایات است برای دفاعی تاریخی از ولایت امیر مؤمنان علی (ع) برای جهانیان.

چاپ نخست کتاب الغدير در سال 1324 ه.ش در نجف آغاز می شود و این مجموعه تا نه جلد افزایش می یابد. پس از انتشار این کتاب عظیم، بسیاری از علمای کشورهای مختلف اسلامی ضمن ستایش، بر آن حاشیه می نویسند و آن را مورد بحث و بررسی قرار می دهند. علامه امینی هفت سال پس از انتشار نخستین جلد الغدير در اثبات ارادت خود به امیر مؤمنان علی (ع) کتابخانه ای با بیش از چهل و دو هزار کتاب خطی و چاپی درباره مولی الموحدين امام علی (ع) با عنوان مکتبه الامام امیر المؤمنین تأسیس می کند.

علامه اما در تبیین مسایل تاریخی از مسایل روز جهان اسلام هیچگاه غافل نمی ماند، چنانکه اندیشه ولایت فقیه در بینش او از مکانتی بالا و والا برخوردار است. استاد با طرح مباحثی جدی، حکومت و ولایت در عصر غیبت حجت خداوند و ولی عصر (عج) را از آن ولی فقیه جامع شرایط می داند و آن را امری ضروری و لازم می شمارد.

#### رحلت:

سرانجام پس از عمری تلاش در راه احیای معارف دینی، استاد علامه امینی پس از دو سال بیماری و ضعف جسمانی ناشی از فعالیت و تحقیق بسیار در کشورهای مختلف، در روز جمعه دوازدهم تیر 1349 دیده از جهان فرو بست و بسیاری را از غم فقدان خود اندوهگین ساخت. پیکر مطهر او پس از تشییع بسیار شکوهمند، به نجف اشرف منتقل و به خاک سپرده شد. او را در کتابخانه ای که خود تأسیس کرده بود، به خاک سپردند. او رفت ولی الغدير وی چراغ خانه دلهاى با صفا و مشعل هدایت امت تا طلوع خورشید امامت شد.

#### داستانهایی از علامه امینی

۱- مرحوم حجة الاسلام دکتر هادی امینی فرزند علامه امینی می گوید:

مادر بزرگم (مادر علامه امینی) یک روز آمده بودند منزل ما در نجف.

من مطالبی درباره زندگی علامه از ایشان پرسیدم. مادر بزرگم به یکی از نکات عجیبی که اشاره کردند این بود که می گفت:

من بعد از اینکه ایشان متولد شد تا دو سال تمام هیچ وقت بدون وضو به ایشان شیر نمی دادم و هر وقت موقع شیر دادن ایشان می شد مثل اینکه به من القاء می شد و من می رفتم وضو می گرفتم و بعد به ایشان شیر می دادم، به یاد ندارم بدون وضو به ایشان شیر داده باشم و برکات زیادی در این وضو گرفتن و شیر دادن نصیب شد.

۲- از قول فرزند علامه امینی قدس سره نقل می کند:

وقتی پدرم را دفن کردیم، یکی از بزرگان آمد و به من تسلیت گفت و فرمود:

من در این فکر بودم بینم مولا امیرالمؤمنین علیه السلام چه مرحمتی در مقابل زحمات و خدمات مرحوم امینی می نمایند.

در عالم خواب دیدم:

حوضی است و آقا امیرالمؤمنین علیه السلام بر لب آن ایستاده اند. افراد می آیند و مولا از آن حوض، به آنها آب می دهند. گفتند: این حوض کوثر است.

در این حال آقای امینی به نزدیک حوض رسید حضرت ظرف را گذاشتند، آستینها را بالا زده و دستان مبارکش را پر از آب کردند و به علامه آب خوراندند و خطاب به او فرمودند:

بیض الله وجهک کما بیضت وجهی (پروردگار رو سفید کند تو را کما اینکه مرا رو سفید کرد)

علامه نسبت به حضرات معصومین علیه السلام بسیار ادب داشت. وقتی وارد حرم مطهر حضرت امیر علیه السلام می شد از پایین به بالای سر نمی رفت. روبروی حضرت می ایستاد و گریه شدیدی می نمود.

خود ایشان به من فرمودند:

« از آن وقتی که در نجف هستم از سمت بالای سر حرم نرفته ام.»

از پایین وارده شده و از همان سمت خارج می شدند.

۳- مرحوم حجة الاسلام دکتر امینی چنین می نویسد:

پس از گذشت چهار سال از فوت مرحوم پدر بزرگوارم علامه امینی نجفی یعنی سال 1394 هجری قمری، شب جمعه ای قبل از اذان فجر ایشان را در خواب دیدم. او را شاداب و خرسند یافتم.

جلو رفته و پس از سلام و دست بوسی عرض کردم:

پدر جان! در آنجا چه علمی باعث سعادت و نجات شما گردید؟

گفتند: چه می گویی؟

مجدداً عرض کردم:

آقا جان! در آنجا که اقامت دارید، کدام عمل موجب نجات شما شد؟

کتاب الغدير ... یا سایر تألیفات ... یا تأسیس و بنیاد کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام؟

پاسخ دادند: نمی دانم چه می گویی. قدری واضح تر و روشن تر بگو!

گفتم: آقا جان! شما اکنون از میان ما رخت بر بسته اید و به جهان دیگر منتقل شده اید. در آنجا که هستید کدامین عمل باعث نجات شما گردید از میان صدها خدمت و کارهای بزرگ علمی و دینی و مذهبی؟

مرحوم علامه امینی درنگ و تأملی نمودند. سپس فرمودند:

فقط زیارت ابی عبدالله الحسین علیه السلام.

عرض کردم: شما می دانید اکنون روابط بین ایران و عراق تیره و تار است و راه کربلا بسته، چه کنم؟

فرمود: پسر من هر گوشه ای هر جایی چراغی بنام امام حسین (ع) روشن شد همانجا حرم امام حسین (ع) است.

در مجالس و محافل که جهت عزاداری امام حسین علیه السلام برپا می شود شرکت کن. ثواب زیارت امام حسین علیه السلام را به تو می دهند.

سپس فرمودند: پسر جان! در گذشته بارها تو را یادآور شدم و اکنون به تو توصیه می کنم که زیارت عاشورا را هیچ وقت و به هیچ عنوان ترک و فراموش نکن.

مرتباً زیارت عاشورا را بخوان و بر خودت وظیفه بدان. این زیارت دارای آثار و برکات و فوائد بسیاری است که موجب نجات و سعادت مندی در دنیا و آخرت تو می باشد ... و امید دعا دارم.

آری! علامه امینی با کثرت مشاغل و تألیف و مطالعه و تنظیم و رسیدگی به ساختمان کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف مواظبت کامل به خواندن زیارت عاشورا داشتند و سفارش به زیارت عاشورا می نمودند و به این جهت ( خودم ) حدود سی سال است مداوم به زیارت عاشورا می باشم.

۴- از قول فرزند علامه امینی نقل شده است :

بعضی ها خیال می کنند کتاب العدیر به راحتی تألیف شد است.

مرحوم علامه امینی سختی ها متحمل شد که توصیف آن از عهده زبان خارج است.

مقابل خانه ما کتابخانه مرحوم کاشف الغطاء قرار داشت ایشان یک مدرسه ای هم داشتند که در جنب این کتابخانه بود و دارای ده، دروازه حجره بود. کتابهای این کتابخانه از پدرشان شیخ علی کاشف الغطاء به ایشان رسیده بود و هیچگونه امکانات رفاهی نداشت.

مرحوم امینی از این کتابخانه به لحاظ نزدیکی، خیلی استفاده می کردند. ایشان از صبح می رفتند برای مطالعه و آن چنان غرق در مطالعه می شدند که حتی گذشت زمان را هم فراموش می کردند.

یک بار مدیر کتابخانه هنگام عصر از کتابخانه بیرون می آید و در کتابخانه را قفل می زند. غافل از اینکه علامه امینی داخل کتابخانه است.

آن روز سپری می شود. روز بعد او وقتی به کتابخانه می آید می بیند علامه در حال مطالعه هست.

به ایشان می گوید: شما کی آمده اید؟

علامه پاسخ می دهد: از دیروز که من را در این کتابخانه زندانی کردی تا الآن در اینجا به سر می برم!

۵- مرحوم علامه تهرانی در کتاب معاد شناسی خود می نویسد:

از شخص موثقی شنیدم که می گفت:

روزی یکی از معممین برای عیادت مرحوم علامه امینی در منزل موقت ایشان که در منطقه پیچ شمیران تهران بود رفته بود.

علامه امینی ( ره ) سخت مریض و به پشت خوابیده بودند.

آن شخص ضمن احوالپرسی و صحبت از آقا سؤال کرده بود:

اگر انسان به حضرت عباس علیه السلام علاقه و محبت نداشته باشد به ایمان او صدمه می خورد؟

علامه متغیر شده و با آن حال نگاهت نشستند و گفتند:

به حضرت ابوالفضل علیه السلام که سهل است. اگر به بند کفش من که نوکری از نوکران حضرت ابوالفضلم علاقه و محبت نداشته باشد از این جهت که نوکرم ، والله به رو در آتش خواهد افتاد!